معصومین از رمضان می گویند

<"xml encoding="UTF-8?>

مقدمه

رمضان از راه می‌رسد و با خود کوله باری از بخشایش و آمرزیدگی را به همراه می‌آورد و با ندای «ربنّا» جان‌های تشنه را به سوی خود فرا می‌خواند تا به استقبالش آمده، دسته دسته بخشودگی را از دستان کریم آن باز ستانند. میزبانِ ابدی رمضان، دست شیطان‌ها را می‌بندد و درهای بهشت را به روی میهمانان خود می‌گشاید تا با آسودگی و آرامش از لحظه های سبز آن برای حیات ابدی توشه برگیرند و خس و خاشاکِ یک سال زندگی را از دامان خود سترده و در سایه سارِ مهمان نوازی آن نفسی تازه کنند. منادی در آسمان‌ها بر میهمانان ضیافت آسمانی، خوش آمد می‌گوید و آب و آیینه به دست، به استقبال سحرخیزان می‌شتابد. ماه مهمانی خدا! خوش آمدی!

اشاره

انسان با نگاهی گذرا به اعمال عبادی، به نکات ظریفی برخورد می کند که جز مصلحت و خیراندیشی، در آن چیز دیگری نمی بیند. «روزه» از جمله اعمالی است که هم جنبه ی عبادی دارد، هم جنبه ی فردی و هم اجتماعی. این ابعاد، انسان را به تفکر وامی دارد که چگونه ساعاتی امساک از خوردن و آشامیدن، آثاری چنین ارزنده به جا می گذارد. این چند ساعت امساک، بندگان را منضبط، حق شناس و مطیع می سازد و از سوی دیگر انسان را به تفکر وامی دارد تا به سختی زندگی فقرا پی ببرد و موقعیت مردم ضعیف جامعه را حس نماید. از سوی دیگر نیز درجه ی اخلاص خود را محک بزند تا در گذر یک سال بتواند نردبان تقربی بسازد که آراسته تر در محضر خدای سبحان حاضر شود و حظ کافی ببرد.

زمین خشکیده ی وجود انسان، که مدت ها قطره ی آبی به خود ندیده، ملتمسانه چشم به آسمان دوخته است

تا دانه ای را که در سینه پنهان دارد، بارور سازد. در این فرصت، «یرمض الذنوب» شود، سبک بالانه از پلکان ترقی بالا رود و توشه ای برای نیکو سپری کردن یک سال خود به دست آورد.

نام گذاری رمضان

در اسلام، بسیاری از نام گذاری ها دارای فلسفه ی ویژه ای هستند و بیانگر اهمیت وجه تسمیه ی آن است، در جمع بندی مختصری می توان گفت نام گذاری، بحثی قابل توجه است. در مورد نام گذاری ماه مبارک رمضان نیز روایاتی وجود دارند؛ در روایاتی آمده است که این نام گذاری به دوره ی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بازمی گردد. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: چه خوب ماهی است ماه رمضان؛ ماهی که در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) ماه پربرکت نامیده شد». (1)

امام باقر (علیه السلام) نیز در مورد وجه تسمیه ی آن فرمودند: «نگویید این رمضان است و نگویید رمضان رفت یا آمد، زیرا رمضان نامی از اسمای خدا است که نمی رود و نمی آید که شئ زایل و نابودشدنی می رود و می آید، بلکه بگویید ماه رمضان. پس ماه را اضافه کنید در تلفظ به اسم که اسم، اسم الله می باشد و ماه رمضان، ماهی است که قرآن در آن نازل شده و خداوند آن را مثل وعده و وعید قرار داده است». (2)

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) در بیانی روشن فرمودند: «به راستی که رمضان نامیده شد، زیرا گناهان را از بین می برد» (3) .

همچنین در روایتی دیگر فرمودند: «نامیده شد رمضان، به خاطر شدت گرما». (4)

هرکدام از این فرمایشات نورانی، به یکی از جنبه های تربیتی این ماه بزرگ اشاره دارند و قابل جمع می باشد که هر یک، در جای خود، گویا و کارساز است.

فلسفه ی روزه در ماه رمضان

همان گونه که گذرا اشاره شد، هر عبادتی در اسلام دارای ابعاد گوناگون فردی و اجتماعی است که سبب شکل گیری روحیه ی مفید یا ویژگی برازنده ای در مسلمان می شود. به جرأت می توان گفت که روزه ی راستین، از کامل ترین برنامه های عبادی اسلام است که توجه بایسته به آن، والاترین دست آوردها را به دنبال خواهد داشت. در این جا، بسیار بجا است در آینه ی شفاف کلام معصومان (علیه السلام) به این ویژگی ها اشاره شود.

1. توانایی همگانی

بسیار مهم است که هرگاه مسؤولیتی برعهده ی کسی گذاشته می شود، توان او مدنظر قرار گیرد. خداوند متعال نیز هرگز تکلیفی فراتر از توان کسی برعهده ی او نمی گذارد که «لایکلف الله نفسا الا وسعها». امام رضا (علیه السلام) فرمودند: «اگر بپرسند چرا مأمورند به روزه ی ماه رمضان و بس، نه کمتر و نه زیادتر، گفته می شود برای آنکه این مقدار، حدی است که از اجرای آن، هم ضعیف برمی آید و هم قوی و جز این نیست که خداوند فرایض و واجبات را به اندازه ای که در امکان بیش تر افراد باشد، تعیین فرموده است؛ آن گاه ناتوانان را آزادی داده است، بدین معنا که اگر خواستند، غیر ماه رمضان را هم با گرفتن روزه تقرب جویند و چنان که به کمتر از این صلاحشان بود، خداوند کم تر می فرمود و اگر محتاج به بیشتر از این هم بودند، به زیاده از این امر می فرمود». (5)

2. تثبیت انگیزه ی اخلاص

اخلاص در عمل، رمز پذیرش هر عمل است و روزه نیز از آن مستثنا نیست. در خطبه ی حضرت زهرا (سلام الله علیها) در مورد فدک آمده است: «خداوند روزه را برای تثبیت اخلاص واجب کرد». (6)

3. یادآوری تشنگی و گرسنگی روز رستاخیز

یاد مرگ و یادآوری سختی روز جزا، سبب تنبه فرد و تعدیل در رفتارهای او می شود. امام رضا (علیه السلام) در مورد این جنبه ی تربیتی روزه فرمودند: «اگر بپرسند روزه چرا واجب شده است، پاسخ آن است که درد گرسنگی و تشنگی را بدانند و از این راه به فقر و بی زاد و توشگی آخرت پی ببرند و همچنین برای اینکه بر اثر سختی که از گرسنگی و تشنگی برای روزه دار پیش آمده است فروتنی و کوچکی کند و نیاز نشان دهد تا اجر برد و به حساب آورد کار خویش را و پایداری و مقاومت کند بر آن و از این جهات، مستحق اجر شود با آنچه که در آن است، از قبیل جلوگیری از طغیان شهوات و هواها و اینکه موجب عبرت و موعظه ای باشد برای آنها در این دنیا و تمرینی باشد برای انجام تکالیف آنها و راهنمایی باشد برای آنها در عالم دیگر». (7)

4. همدردی با قشرهای آسیب پذیر

یکی از مشکلات اجتماعی روز، رانده شدن قشرهای کم درآمد و فقیر جامعه به حاشیه و بی توجه ی به آنها است که اسلام به هیچ روی آن را برنمی تابد. روزه نیز به همین دلیل واجب شده است تا فقیران به خاطر اطعام ها و برخی توفیقات اجباری مانند کمک های مالی در قالب زکات فطره، بیش تر در نظر گرفته شوند. به این روایت توجه کنید: از هشام بن حکم است که گفت: از امام صادق (علیه السلام) درباره ی علت روزه پرسیدم. فرمودند: «اما علت روزه، بدان سبب است که فقیر و غنی در یک سطح شود، زیرا غنی درد گرسنگی را نچشیده است تا به فقیر رحم کند، زیرا غنی هرگاه چیزی بخواهد، توانایی آن را دارد. پس خداوند عزوجل به این وسیله خواست بین بندگانش برابری ایجاد کند و حس گرسنگی و درد را به غنی بچشاند تا دلش بر ضعیفان به رحم آید و بر انسان گرسنه مهربانی کند». (8)

مشابه این سخن از امام حسن عسکری (علیه السلام) نیز روایت شده است: از حمزه بن محمد روایتی است که گفت به ابی محمد عسکری (علیه السلام) نوشتم: چرا خداوند عزوجل روزه را واجب کرده است؟ در پاسخ آن آمد: تا غنی حس گرسنگی را بچشد و به فقیر احسان کند». (9)

این دلیل روزه داری به اندازه ای مهم است که از دیگر امامان (علیه السلام) به دفعات روایت شده است: جعفربن محمدبن حمزه در گفت وگویی با ما گفت: «به ابی محمد حسن بن علی (علیه السلام) نوشتم چرا خداوند روزه را واجب کرد؟ پس برایم نوشت: خداوند تعالی روزه را واجب کرد تا غنی حس گرسنگی را بچشد تا بر فقیر مهر ورزد». (10)

فلسفه ی قضای روزه ی زن

شاید این پرسش به ذهن برسد که چرا روزه ی زن در ایام عادت ماهانه قضا دارد، ولی نماز او قضا ندارد. امام رضا (علیه السلام) در این باره فرمودند: اگر بپرسند چرا زن باید روزه را قضا کند، ولی نمازش قضا ندارد، گفته می شود که برای چند جهت: اول اینکه گرفتن روزه او را از کارهای لازم زندگی خود باز نمی دارد و از خانه داری و خدمت به شوهرش و انجام فرمان او و اصلاح امور منزل و شست وشو و نظافت مانع نمی شود، ولی نماز وقت را می گیرد و مانع از انجام همه ی امور دیگر می شود، زیرا نماز در شبانه روز مکرر واجب می شود و زن قدرت ندارد که هم نمازهای مدت ناپاکی خود را به جای آورد و هم نمازهای ایام پاکی و هم کارهای لازم و ضروری زندگی زناشویی یا فردی خود را انجام دهد، ولی روزه این چنین نیست. یکی دیگر از علت های آن این است که نماز زحمت نشست و برخاست و تحرک دارد، ولی در روزه این امور نیست و تنها نخوردن و خودداری کردن از مفطرات می باشد؛ نه حرکت و جنبش و فعالیت. در تمام مدت شبانه روز هیچ وقت جدیدی نمی رسد، مگر این که در آن نماز جدیدی واجب می شود، ولی روزه این گونه نیست که هر روز که می رسد، روزه اش بر او واجب باشد؛ مانند نماز که هر وقت سرمی رسد، نمازی بر او واجب باشد. (11)

رمضان؛ میدان مسابقه

امام مجتبی (علیه السلام) در روزهای پایانی ماه مبارک رمضان از کنار جماعتی که مشغول خنده و شوخی بودند عبور کردند. حضرت با ناراحتی به آن‌ها فرمود: خدا ماه رمضان را میدان مسابقه بندگان قرار دهده است. دسته‌ای گوی سبقت می‌ربایند و پیروز می‌شوند و تعدادی هم از دیگران عقب می‌مانند و سرافکنده می‌شوند. عجیب است در روزی که پیشی گیرندگان پیروز شده اند و عقب ماندگان زیانکار گریده اند، جمعی به شوخی و خنده مشغولند. به خدا سوگند اگر پرده در افتد، امروز نیکوکار، مشغول پاداش خود و عقب افتاده، گرفتار بدیهای خود است و برای احدی فرصتی جهت شوخی و لهو و لعب باقی نمی‌ماند. (12)

اندرون از طعام خالی دار	تا در او نور معرفت بینی
تهی از حکمتی به علت آن	که پُری از طعام تا بینی

رمضان؛ فرجامی خوش

نوشته‌اند حضرت سجاد (علیه السلام) اشتباهات غلامان خود را در طول ماه رمضان با ذکر تاریخ و مورد آن یادداشت می‌فرمود. در آخر ماه رمضان، غلامان خویش را جمع کرده و از آنها اقرار می‌گرفتند که چنین اشتباه ی از آنان سر زده است. سپس در میان حلقه آنها می‌ایستادند و می‌فرمودند که آنچه را من می‌گویم تکرار کنید؛ ای علی بن حسین! همان طوری که ما غلام و بنده تو هستیم و تو اشتباهات ما را ثبت کرده‌ای، خدا هم کارهای تو را ثبت کرده است. اینک ما را عفو کن و ببخش چنانچه تو امیدواری خدا از گناهان تو بگذرد. به یاد آر آن روزی که با خفت و خواری در پیشگاه عدل اله ی می‌ایستی، آن خدائی که به اندازه ی خردلی ستم روا نمی‌دارد، همان مقدار کم را هم در قیامت به حساب می‌آورد، از ما در گذر که خدا از تو در گذرد که در قرآن آمده:
«پس عفو کنید و چشم پوشی کنید آیا نمی‌خواهید خدا شما را ببخشد» (13).
حضرت سخنان خود را به غلامان خود تلقین می‌کرد و آنان تکرار می‌کردند و با نوای جان-سوز اشک می‌ریخت و می‌گفت: «پروردگارا! تو دستور گذشت به ما داده‌ای از ما نیز در گذر! خدایا! تو به عفو و گذشت از ما شایسته‌تری! به ما گفته‌ای که سائل را از در خانه ی خود محروم و ناامید بر مگردانید. اینک به امید بخشایش، در خانه‌ات آمده‌ایم. از تو می‌خواهیم بر ما کرم فرمایی. پروردگارا! بر بنده ی خود منت گذار و ناامیدم مکن و مرا جزو کسانی قرار ده که از عطایای تو بهره‌مند گشته‌اند».
آن گاه به غلامان خود رو کرده و می‌فرمودند: «من از شما گذشتم آیا شما هم مرا بخشیدید و از کوتاهی و قصوری که نسبت به شما کرده‌ام گذشتید؟ اگر من مالک ستمگر شما بوده‌ام، خود هم تحت قدرت مالکی دادگر هستم».

غلامان عرض می‌کردند: «ای مولای ما! با اینکه هرگز به ما بدی نکرده‌اید شما را بخشیدیم». سپس حضرت می‌فرمود: پس بگویید: «بار خدایا! از علی بن الحسین بگذر، چنانچه او از ما گذشت و او را از آتش جهنم آزاد کن همان طوری که ما را از بندگی خود آزاد کرد». سپس حضرت، خود می‌گریست و در آخر گفتار آنها آمین می‌گفت و می‌فرمود: «شما را آزاد کردم به امید اینکه خداوند هم مرا ببخشد» و آنها را آزاد می‌ساخت و هر ساله حدود بیست نفر از آنان را در عید فطر آزاد می‌فرمودند. (14)

پی نوشت ها :

1. وسائل الشیعه، ج7، ص.259
2. همان، ص.232
3. میزان الحکمه، .176/4
4. بحارالانوار/.341/55
5. همان/.370/93
6. همان/.368/93
7. بحارالانوار/.369/93
8. همان/.371/93
9. همان/.369/93
10. همان/.339/93
11. عیون اخبارالرضا، .249/2
12. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، تهران، انتشارات اسلامیه، بیتا، ج2، ص.174
13. نور/ .22
14. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، بیروت، دارالاضواء، بیتا، ج4، ص158.